

## ۹۴. حیات از خداوند

داستان عجیبی از اسکندر کبیر نقل میکنند. در عنفوان جوانی هنگامی که  
( که استاد

او بود، داخل شده متوجه گردید که عالم نامبرده یک مشت استخوان روی میز  
گذاشته آنها را با دقت تمام معاینه می کند. استخوانها را بترتیب منظمی روی میز  
چیده بود - از جمجمه سر گرفته تا پاشنه و انگشتان پا. حس کنجکاوی اسکندر  
جوان به هیجان آمده، پرسید که «دنبال چه میگردی؟» دیوجنس جواب داد «آنچه  
نمی توانم پیدا کنم - فرق بین استخوانهای پدرت با استخوانهای برده اش.»

در زمان حیات بین مردم فرق زیادی می گذاریم. یکی را با احترام و جلال  
می پذیریم، در صورتی که به دیگری اعتنائی نمی کنیم. با این وجود از داستان  
زندگی انسان چنین استنباط می شود که بشر چون بغروب زندگی خود نزدیک شود  
قدمش آهسته، دیدش تاریک، و گوشش سنگین می شود و بالاخره محلی در عالم  
اموات برایش تعیین می شود - اعم از اینکه در زمان حیات خود غنی بوده یا فقیر،  
معروف یا ناشناس - زیرا که مرگ نظر باین متعلقات شخص ندارد.

حاکم الحکما (سلیمان نبی) میفرماید: «فقط برای زنده ها امید هست، سگ

می داند که خواهند مرد! ولی مرده

ها چیزی نمی دانند. برای مرده ها پاداشی نیست و حتی یاد آنها نیز از خاطره ها  
محو می شود. محبتشان، نفرتشان و احساساتشان همه از بین می رود و آنها دیگر تا

ابد در زیر این آسمان نقشی نخواهند داشت.» (جامعه ۹: ۴-۶).

دروگر شوم (مرگ) با دقت، هر فردی از افراد را زود یا دیر در می یابد. سوالات در باره مرگ و عالم اموات فکر ما را پر میکند و انتظار جوابهای مثبتی از کسانی که از آن دروازه عبور کرده اند داریم. شیخ ایوب سؤال می کند: «اما مرد می میرد و فاسد می شود. و آدمی چون جان را سپارد کجاست؟» (ایوب ۱۴: ۱۹).

پای کوهنوردی میلغزد و در دریاچه آتشین گدازه آتش فشان می افتد. توفان شدیدی دریا نوردی را از مکان خود بدریای متلاطم می اندازد تا بوسیله کوسه ها صد پاره شود. کارگری در معدن زیر آوار هزارها خروار سنگ جانش را از دست می دهد. بی گناهی شبانگاه از کوچه تاریک شهر بزرگی عبور می کند که ناگاه تروریست سنگدلی با یک ضربت نابودش میکند. شخص تحت تأثیر نوشابه الکلی ماشین اسپرت خود را با سرعت سرسام آور در خیابانی میراند و ناگهان طفل کوچکی برای گرفتن توپ بازی خود بوسط خیابان میدود و زیر ماشین له شده به بیمارستان برده میشود. هنوز جانی در بدنش باقیست ولی زیر دست جراحانی که با عجله مشغول رسیدگی بوضع طفلک می باشند قلبش می ایستد. جراح ملافه را روی جسم بی جان بی چاره میکشد. دروگر شوم اسم دیگری به آمار خود اضافه کرده است.

نامبردگان کجا رفتند؟ آنها کجا هستند؟ آیا به عالم هوشیاری و آگاهی دیگری منتقل شده اند؟ برای دریافت جواب قابل اعتماد به این پرسشهای حیاتی لازمست به مبدأ حیات رجوع کنیم. باید به کسی مراجعه کنیم که خود طعم مرگ را چشیده و

دوباره به وسیله قدرتی که دارد ما را به حیات نو باز گردانده است. به کسی مانند عیسی بن مریم باید مراجعه کنیم که خود قدرت احیاء کردن یک مشت گل را داشت. با کسی باید روبرو شویم که مردگان را توانست از عالم اموات دوباره باز گرداند.

در انجیل جاودانی مکتوبست که «شهادت این است که خدا به ما حیات جاودانی داده است و این حیات در پسر او یافت میشود. هر که باین پسر ایمان دارد حیات دارد و هر که پسر را ندارد صاحب حیات نیست.» (اول یوحنا توجه کنیم که انسان طبعاً فانی است. «و اگر روح خدایی که عیسی مسیح را پس از مرگ زنده کرد، در وجود شما باشد، همان خدا بدنهای فانی شما را نیز پس از مرگ بوسیله همین روح که در وجود شماست، زنده خواهد کرد. (رومیان ۸:۱۱).

خدای «فنا ناپذیر» (اول تیموتائوس ۶:۱۶) در مقابل انسان فانی وجود دارد. خالق غیر فانی می باشد و با ضعف انسان هرگز تناسبی ندارد. برعکس انسان طالب حیات جاودانی است. یعنی آن چیزی را که ندارد می طلبد. آرزوی باطنی هر فردی بر آنست که حیات ابدی داشته باشد و هنگامی که به آخرین لحظات عمر می رسد حاضر است تمام دارائی خود را تسلیم کند تا شاید بعمرش حد اقل چند ساعتی اضافه شود. مزده این برنامه آن است که خداوند راهی را تهیه کرده که انسان بتواند عمرش را طولانی تر کند - حتی بحیات جاودانی نائل شود ولی دقت

فرمائید آن حیات جاودانی در چه موقعی اعطا خواهد شد: «حال می خواهیم رازی عجیب با شما در میان بگذارم: ما همه نخواهیم مرد، بلکه به همه ما بدنی نو داده خواهد شد. زمانی که شیپور آخر از آسمان به صدا در آید، در یک لحظه، در یک چشم بر هم زدن، همه ایماندارانی که مرده اند، با بدنی فناپذیر زنده خواهند شد. آنگاه ما نیز که هنوز زنده ایم، ناگهان تبدیل خواهیم پذیرفت و بدنی نو خواهیم یافت. زیرا بدن خاکی ما که فانی و از بین رفتنی است، باید به بدن آسمانی تبدیل شود، بدنی که هرگز نابود نخواهد شد و همیشه زنده خواهد ماند هنگامی که مرگ تبدیل به زندگی شود، آنگاه این پیشگویی کتاب آسمانی عملی خواهد گردید که می فرماید: "زندگی بر مرگ پیروز شد." (اول قرنتیان ۱۵:۵۱-۵۴).

در برنامه بعدی زمان تبدیل بدن مؤمنین را مورد ملاحظه قرار خواهیم داد.